

امکان‌سنجی استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی

دکتر نادر میرزاده کوهشاهی* / مهدی میرزاده کوهشاهی**

چکیده

انتخابات امروزه به‌عنوان یکی از پایه‌های استقرار مردم‌سالاری نقش مهمی را در مشارکت و نظارت شهروندان بر اعمال و تصمیمات کارگزاران نظام‌های سیاسی ایفا می‌کند. در این میان انتخابات پارلمان هر کشور به‌عنوان نهادی که وظیفه قانون‌گذاری و نظارت سطح کلان را عهده‌دار است دارای جایگاه ویژه‌ای است. در ایران پارلمان دارای سابقه بیش از یک قرن است اما با این حال برخی کاستی‌ها در انتخابات آن وجود دارد. در راستای اصلاح کاستی‌های فعلی انتخابات مجلس شورای اسلامی طرح استانی کردن حوزه‌های انتخاباتی از دوره پنجم مجلس به این سو همواره به‌عنوان بدیلی برای نظام فعلی مطرح بوده است. اما به دلایل متعددی تاکنون جنبه اجرایی به خود نگرفته است. این پژوهش در صدد است با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به امکان‌سنجی جایگزینی این طرح با نظام فعلی بپردازد. به بیانی دیگر این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که: آیا امکان تغییر حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد؟ و در صورت تغییر با چه چالش‌هایی روبرو خواهیم شد؟ در این راستا فرض نگارندگان بر این است که امکان تغییر مرز حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد ولی در صورت فراهم نساختن زیرساخت‌های لازم اگرچه مشکلات نظام فعلی مرتفع خواهد شد اما با چالش‌ها و مشکلات جدیدی نظیر افزایش هزینه‌های انتخاباتی، کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین و ورود افراد مشهور و متمول روبرو خواهد شد.

کلید واژه‌ها

انتخابات، حوزه انتخاباتی، مجلس شورای اسلامی، جری‌مندرینگ، تسهیم نامتناسب.

* عضو هیأت‌علمی و استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران mirzadeh@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

مقدمه

مردم‌سالاری امروزه به ارزشی فراگیر در میان جوامع مختلف بدل شده است. انتخابات به‌عنوان مهم‌ترین نمود مردم‌سالاری نقش مهمی در انتقال قدرت سیاسی دارد و به‌عنوان مجرای برای بیان خواسته‌های مردم از نظام سیاسی و شیوه‌ای برای کنترل و نظارت بر اعمال و تصمیمات کارگزاران حکومتی است. انتخابات از یک‌سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی و اخلاق اجتماعی و شهروندی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر، ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است (عیوضی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). از این‌رو یکی از مهم‌ترین معیارها برای مردم‌سالاری و حکمرانی خوب محسوب می‌گردد.

پارلمان هر کشور به‌عنوان نهاد قانون‌گذاری نقشه راه دولت‌ها را مشخص می‌کند. علاوه بر آن پارلمان‌ها نظارت گسترده‌ای را بر اعمال دولت و اجرای قوانین دارند. همچنین به‌عنوان مجرای برای انعکاس خواسته‌های شهروندان مناطق مختلف کشور از دولت عمل می‌کنند و در بسیاری از کشورها حتی به انتخاب دولت‌ها مبادرت می‌ورزند.

سابقه تشکیل پارلمان در ایران به یک قرن پیش و آغاز انقلاب مشروطه باز می‌گردد. پارلمان ایران ابتدا به‌صورت نظام یک مجلسی در قالب مجلس شورای ملی تجسم یافت و سپس با اضافه شدن مجلس سنا، پارلمان دومجلسی شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، پارلمان به‌صورت نظام یک‌مجلسی پذیرفته شد و با نام مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماد حاکمیت ملی موجودیت یافت.

طبق اصل پنجاه و هشتم قانون اساسی اعمال عادی قوه مقننه از طریق مجلس شورای اسلامی است. در این شیوه قانون‌گذاری حاکمیت ملی از طریق نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی اعمال می‌گردد. برابر اصل شصت و دوم قانون اساسی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند و شرایط تفصیلی انتخابات را قانون معین خواهد کرد. که این امر در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مشخص شده است (منصور، ۱۳۸۱: ۸۴-۱۳۹) براساس اصل نود و نهم قانون اساسی، شورای نگهبان بر تمام مراحل انتخابات نظارت دارد. اما علاوه بر نظارت شورای نگهبان، باید اعتبارنامه نمایندگان به تصویب مجلس هم برسد که اصل نود و سوم قانون اساسی به آن اشاره دارد.

بنا به اصل شصت و سوم قانون اساسی، دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی ۴ سال است و انتخابات هر دوره باید پیش از پایان دوره قبل برگزار شود به‌طوری‌که کشور در هیچ زمان

بدون مجلس نباشد. اما در صورتی که به دلیل جنگ و اشغال نظامی کشور انتخابات نقاط اشغال شده یا تمامی مملکت طبق اصل شصت و هشتم قانون اساسی متوقف شود و مجلس جدید تشکیل نشود، مجلس سابق همچنان به کار خود ادامه خواهد داد. در این صورت عملاً دوره نمایندگی بیش از ۴ سال خواهد بود.

قبل از بازنگری طبق اصل شصت و چهارم عده نمایندگان مجلس ۲۷۰ نفر بود و افزایش تعداد نمایندگان به نسبت افزایش جمعیت حوزه‌های انتخابیه پیش‌بینی شده بود. به این صورت که پس از هر ۱۰ سال در صورت زیاد شدن جمعیت کشور در هر حوزه انتخابیه، به نسبت هر ۱۵۰ هزار نفر یک نماینده اضافه می‌شد. برای زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده مقرر شده بود.

در بازنگری قانون اساسی ضمن بدون تغییر ماندن عده نمایندگان من جمله نمایندگان اقلیت‌های دینی، اصل شصت و چهارم در خصوص افزایش تعداد نمایندگان اصلاح شد و مقرر گردید، از تاریخ همه‌پرسی سال ۱۳۶۸ هجری شمسی پس از هر ۱۰ سال، با در نظر گرفتن عوامل انسانی، سیاسی، جغرافیایی و نظایر آن‌ها حداکثر ۲۰ نفر نماینده می‌تواند اضافه شود. در اجرای اصل مزبور ۲۰ نفر به عده نمایندگان مجلس شورای اسلامی اضافه شده است. در این حال به موجب قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی ۲۹۰ نماینده از نقاط مختلف کشور در قالب ۲۰۷ حوزه انتخابیه وارد مجلس می‌شوند (همان، ۱۷۵-۱۴۰). معیار اصلی برای تعیین تعداد نمایندگان هر حوزه و چیدمان مناطقی که یک حوزه انتخابیه را مشخص می‌کنند بر مبنای قانون و با تکیه بر پارامترهای جمعیتی و در درجه بعد شرایط جغرافیایی است.

اگرچه تاکنون این امر رعایت شده و عدم رعایت آن به موارد اندکی باز می‌گردد و به‌طور کلی شرایط جغرافیایی و عوامل جمعیتی نقش اساسی را در تعیین حوزه‌های انتخابیه دارند اما محدوده حوزه‌های موجود جدای از ویژگی‌های مطلوب دارای نقاط ضعفی نیز هستند و انتقاداتی بر چیدمان حوزه‌های انتخابیه فعلی وارد شده که از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره نمود: جری‌مندینگ یا استفاده برخی افراد از نفوذ خود برای تغییر محدوده حوزه‌های انتخابیه در راستای مقاصد خود، چینش بد در ترکیب حوزه‌های انتخابیه، نامطلوب بودن معیار جمعیتی و محدود و محروم کردن برخی مناطق از نمایندگان، عدم رعایت حق مطلوب در مناطق پیرامونی

کشور، جلوگیری از رشد تحزب و امکان مانور شوراها را اسلامی. از این رو لازم است تغییراتی برای جبران نقصان‌های جاری صورت گیرد یکی از این اقداماتی که تاکنون از طرف افراد و گروه‌های مختلف مطرح شده است، تغییر حوزه‌های انتخابیه و منطبق شدن مرز حوزه‌های انتخابیه با مرز استان‌ها است. اما استانی شدن حوزه‌های انتخابیه به‌رغم آن‌که بسیاری از کاستی‌های نظام موجود را پوشش می‌دهد خود نیز دارای کاستی‌های فراوانی است. از این رو در این پژوهش سعی می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به امکان‌سنجی تغییر در حوزه‌های فعلی و استانی شدن حوزه‌های انتخابیه پرداخته شود. به عبارت دیگر این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که: آیا امکان تغییر حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد؟ و در صورت تغییر چه چالش‌های جدیدی به‌وجود خواهد آمد؟ در این راستا به‌نظر می‌رسد امکان تغییر مرز حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد ولی در صورت فراهم نساختن زیرساخت‌های لازم با پشت سر نهادن مشکلات نظام فعلی، چالش‌هایی نظیر افزایش هزینه‌های انتخاباتی، کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین و... ایجاد خواهد شد.

به لحاظ متدولوژیک در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است که در آن با توصیف وضعیت و چگونگی حوزه‌های انتخابیه فعلی و امکان انطباق مرز حوزه‌های انتخابیه بر مرز استان‌ها به تحلیل نقاط ضعف و قوت هر یک از این دو نظام پرداخته می‌شود. داده‌ها و آمارهای مورد نیاز نیز با روش کتابخانه‌ای و با بهره‌جستن از اطلاعات مجلس شورای اسلامی گردآوری شده است.

گفتار اول: مبانی نظری

الف) حوزه‌بندی انتخاباتی

گسترده‌گی کشور و ضرورت داشتن نمایندگانی از نقاط مختلف کشور که بیانگر نظرات و منعکس‌کننده دیدگاه‌های ساکنان آن نواحی باشد، به همراه سهولت اجرای انتخابات، تقسیم کشور به واحدهای کوچک‌تری به‌نام حوزه انتخابیه را ضروری ساخته است. تقسیم کشور به حوزه‌های انتخابیه باعث می‌شود تا احساس بهتر و نزدیک‌تری میان انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان به‌وجود آید و هر نماینده راحت‌تر و بهتر از سوی رأی‌دهندگان تحت کنترل درآید (حبیب‌نژاد، ۱۳۸۵: ۲۲). در واقع تقسیم سرزمین و جمعیت کل کشور به حوزه‌های

انتخاباتی، نخستین گام به‌منظور تسهیل کار انتخابات و فراهم آوردن تناسب عادلانه بین شمار نمایندگان و جمعیت هر حوزه انتخابی است (قاضی، ۱۳۸۳: ۳۱۵) حوزه انتخاباتی عبارت است از محدوده جغرافیایی شناخته شده قانونی با مرزهای مشخص و تعداد معینی نماینده که به آن تعلق می‌گیرد (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۲۴۲). در ارتباط با شکل‌گیری حوزه انتخاباتی مطلوب آن است که برنامه محدوده‌بندی حوزه انتخاباتی با ویژگی‌های جغرافیایی، پذیرش عمومی، قوانین انتخاباتی و قانون اساسی کشور هماهنگ باشد (Horn, 1999: 940 به نقل از کاویانی‌راد) اما یک کشور را می‌توان براساس روش‌های متعددی به نواحی انتخاباتی مختلف تقسیم کرد و به این ترتیب جغرافیاهای نمایندگی مختلفی نیز خواهند بود که نتایج و برآمدهای انتخاباتی مختلفی را به‌وجود می‌آورند (تایلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۲۶۸).

ب) جری‌مندرینگ^۱ و توزیع نامتناسب کرسی‌ها

نتیجه انتخابات به‌ندرت منعکس‌کننده دیدگاه‌های خالص و منطقی رأی‌دهندگان است و جغرافیا هم‌چنان در این روند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای دارد. این مسأله که کدام حزب بیش‌تر از گرایش‌های موجود در نظام انتخاباتی منتفع می‌شود تا حدودی به طراحی مرزهای نواحی انتخاباتی یا حوزه‌های رأی‌گیری وابسته است (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۳-۲۵۲). در بسیاری از موارد به‌دلیل نادیده گرفتن عوامل جغرافیایی و عدم دقت در فرایند حوزه‌بندی و همچنین سوء استفاده برخی از افراد و گروه‌ها، طیف‌های خاصی از رأی‌دهندگان با تبعیض مواجه خواهند شد. در چنین مواقعی حوزه‌بندی در راستای برآورده شدن منافع افراد ذی‌نفعی که خود طراحان آن بوده‌اند عمل می‌کند. راه‌های بسیاری وجود دارد که در آن‌ها مرزهای حوزه را می‌توان به عمد در جهت استفاده انتخاباتی دست‌کاری کرد (Blacksell, 2006: 121).

تبعیض در حدودبندی انتخاباتی، ترسیم حدود مرزهای انتخاباتی را شامل می‌شود که با هدف تأمین منافع خاص یک حزب صرف‌نظر از اندازه ناحیه انتخاباتی صورت می‌گیرد (تایلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۲۷۸). از سویی با نوع دیگری تبعیض مواجهیم که تا حدودی با ناحیه و ویژگی‌های آن مرتبط است، ماهیت این ارتباط در بی‌تناسبی و نادیده گرفتن میزان جمعیت در تعیین یک حوزه انتخاباتی است. مباحث یاد شده دو مفهوم بنیادی مرتبط با حوزه‌بندی

1 -Gerrymandering

انتخاباتی یعنی جری مندرینگ و تسهیم نامتناسب را در برمی گیرد. دست کاری عمدی مرزهای حوزه انتخاباتی برای رسیدن به اهداف سیاسی، تحت عنوان جری مندرینگ شناخته می شود. این نام به یادبود الدریج جری، حاکم ماساچوست در قرن نوزدهم انتخاب گردیده است که یک حوزه انتخاباتی بسیار خاص و متفاوت را در بخش اسکس ایجاد کرد (جونز و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۸). اما در ادبیات جغرافیایی انتخابات برای بیان هر گونه بی عدالتی مرتبط با حوزه های انتخاباتی و ناکارآمدی آن ها که همواره برخی از افراد و گروه ها را متضرر می سازد از اصطلاح جری مندرینگ استفاده می شود. از این رو در این نوشتار نیز برای بیان مشکلات حوزه بندی فعلی از این اصطلاح استفاده می شود که اشاره به سوء استفاده از ناکارآمدی حوزه بندی انتخاباتی دارد و به دنبال این موضوع متضرر و متفعل بودن برخی افراد و گروه ها از وضع موجود را مطرح می سازد. مبحث دیگر عدم تناسب در بین جمعیت و تعیین یک حوزه انتخاباتی است که از آن به عنوان تسهیم نامتناسب یاد می شود. در این ارتباط دو موضوع کم نمایندگی که اشاره به نداشتن نماینده متناسب با جمعیت ناحیه است و موضوع بیش نمایندگی که اشاره به دارا بودن نماینده به رغم نداشتن جمعیت کافی است، مطرح است. به این ترتیب، کشوری با یک میلیون نفر جمعیت و دارای شورایی متشکل از ۱۰۰ کرسی باید به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت یک نماینده داشته باشد. اگر یک حوزه انتخاباتی با جمعیتی ۵۰۰۰ نفری یک نماینده داشته باشد به راحتی می توان دریافت که از بیش نمایندگی برخوردار است اما ناحیه ای با ۲۰ هزار نفر جمعیت و یک نماینده، با کم نمایندگی مواجه می شود (تایلور و جانستون، ۱۳۸۶: ۳۰۴).

ج) اصلاحات انتخاباتی

به دنبال مباحث مطرح شده که از آن ها به عنوان بی عدالتی ها و سوء استفاده های انتخاباتی یاد می شود موضوع اصلاحات انتخاباتی مطرح است که اشاره به اصلاح قوانین و رویه های مرتبط با حوزه بندی و رأی گیری دارد. گام اول در این مرحله اصلاح قوانین است. اما آشکارترین روش اصلاحی، خارج کردن روند طراحی حدود نواحی انتخاباتی از کنترل طیف های سیاسی است. ویکری معتقد بود حذف جری مندرینگ مستلزم برقراری رویه ای خودکار و غیرشخصی برای منطقه بندی مجدد است. این نظریه در واقع تلخیصی از مکتب فکری غیرجانبدارانه و مبتنی بر

کاربرد رایانه در روند منطقه‌سازی است (همان: ۳۱۳-۳۱۲). اما کاربرد رایانه نیز به‌رغم این‌که دارای اغراض سیاسی نیست پیامدهای سیاسی دارد. از این‌رو بحث منطقه‌سازی دوجانبه که با نظارت و همراهی طیف‌های ذی‌نفع همراه است مطرح گردید و به‌نظر می‌رسد در راستای برخی مصلحت‌اندیشی‌ها باید در نهایت عامل انسانی تعیین‌کننده حدود حوزه‌های انتخاباتی باشد. از حیث تجدیدنظر در حوزه‌های انتخاباتی دو رویه کلی از سوی کشورها اتخاذ شده است: رویه اول که رویه‌ای سخت و انعطاف‌ناپذیر است و در آن کشورها حوزه‌های انتخابیه منطبق بر تقسیمات کشوری است نظیر سوئیس، نروژ، لوکزامبورگ و ایسلند. عدم انعطاف این رویه در برابر تغییرات جمعیتی از عیوب آن است (قاضی، ۱۳۸۳: ۳۱۷). در رویه دوم عمل حوزه‌بندی با انعطاف بیش‌تری صورت می‌گیرد و برش‌های حوزه‌ای به‌طور منظم مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد. در آمریکا، قوه مقننه ایالات بعد از هر سرشماری، صلاحیت دارند به تجدیدنظر در حوزه‌های انتخاباتی بپردازند. در آلبانی، بلغارستان، لهستان و شوروی سابق عمل حوزه‌بندی دو ماه پیش از تاریخ اجرای انتخابات صورت می‌گرفت (قاضی، ۱۳۷۰: ۷۱۲).

د) انواع حوزه‌بندی

- هدف از حوزه‌بندی کمک به سهولت در برگزاری انتخابات و عادلانه بودن آن است. در کشورهای مختلف با توجه به نظام‌های انتخاباتی، ویژگی‌های اجتماعی و جغرافیایی و قوانین سابق حوزه‌بندی‌های مختلفی شکل می‌گیرد. عمده‌ترین روش‌های حوزه‌بندی به‌شرح زیر می‌باشد:
- ۱- حوزه‌های ملی: که در آن تمامی کشور یک حوزه انتخابیه است و احزاب با توجه به درصد آرا خود کرسی‌های پارلمان را تصاحب می‌کنند. در هلند و فلسطین اشغالی کل کشور یک حوزه انتخاباتی است؛
 - ۲- حوزه‌بندی با مبنای ناحیه‌ای: که در آن یک ناحیه جغرافیایی که گاهاً شامل چندین ایالت می‌شود را در می‌گیرد؛
 - ۳- حوزه‌بندی براساس ایالت‌ها: که در این صورت هر استان یا ایالت یک حوزه انتخاباتی را تشکیل می‌دهد. مثل حوزه‌بندی مجلس سنای آمریکا که برای هر ایالت دو کرسی در مجلس سنا اختصاص داده می‌شود؛
 - ۴- حوزه‌بندی بر مبنای محلی و زیرناحیه‌ای: که در این نوع از حوزه‌بندی یک استان به چند حوزه انتخاباتی تقسیم می‌شود و یک یا چند شهر به‌عنوان حوزه انتخابیه مشخص می‌شود.

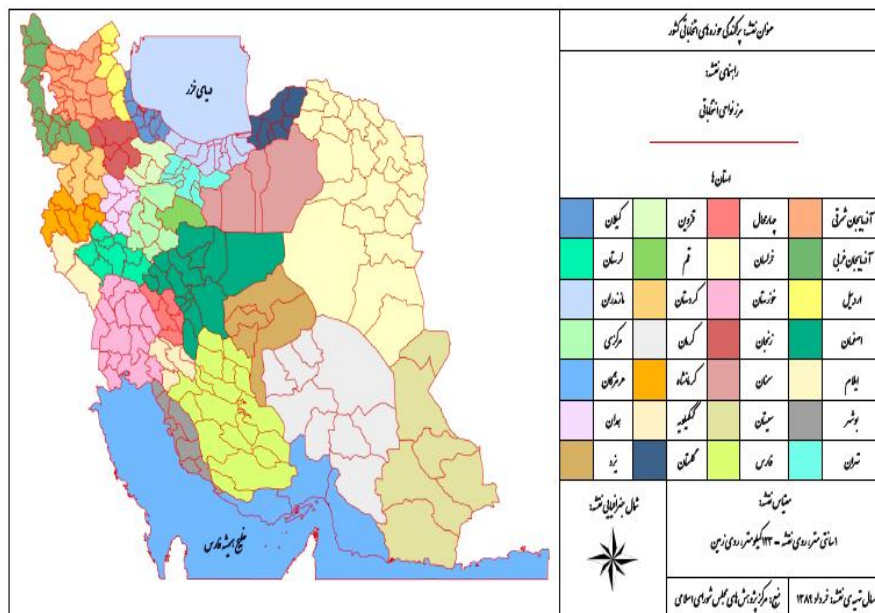
انتخابات مجلس شورای اسلامی براساس این نوع حوزه‌بندی برگزار می‌شود.

گفتار دوم: یافته‌های پژوهش

الف) وضعیت موجود حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی

برابر اصل شصت و دوم قانون اساسی، انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌صورت مستقیم و با رأی مخفی در سراسر کشور برگزار می‌شود. نظام انتخاباتی مجلس نیز براساس نظام اکثریتی دومرحله‌ای است (ایوبی، ۱۳۸۲: ۵۲). از لحاظ حوزه‌بندی نیز بر خلاف سایر انتخابات کشور نظیر انتخابات ریاست جمهوری که کل کشور یک حوزه انتخاباتی است و انتخابات مجلس خبرگان که هر استان یک حوزه انتخاباتی است در انتخابات مجلس شورای اسلامی کشور طبق قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶ با اصلاحات بعدی (منصور، ۱۳۸۱: ۱۷۵-۱۴۰) با توجه به ویژگی‌های جمعیتی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی به ۲۰۷ حوزه انتخابیه تقسیم می‌شود و هر استان به چندین حوزه انتخاباتی تقسیم می‌شود. در این ارتباط استان قم به‌دلیل شرایط خاص خود یک استثنا به‌شمار می‌رود. به‌طور معمول یک یا چند شهر مجاور هر استان بسته به ویژگی جمعیتی خود یک حوزه انتخابیه را تشکیل می‌دهند. البته در مواردی نظیر تفت و میبد شهرهایی که از هم فاصله دارند نیز یک حوزه انتخابیه به‌شمار می‌روند. از ۲۰۷ حوزه انتخابیه فعلی ۵ حوزه به اقلیت‌های دینی اختصاص دارد که با برخی از حوزه‌های انتخاباتی به لحاظ جغرافیایی تداخل دارند.

نقشه پراکندگی حوزه های انتخاباتی کشور



ب) طرح مجلس

براساس طرحی که از سوی مجلس شورای اسلامی برای اصلاح مشکلات نظام فعلی انتخابات مجلس تنظیم شده است، حوزه انتخابیه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، محدوده جغرافیایی هر استان خواهد بود. هر استان به‌عنوان یک حوزه انتخابیه اصلی و حوزه‌های انتخابیه فعلی تابعه استان، حوزه انتخابیه فرعی محسوب می‌شود. ملاک در تعیین تعداد نمایندگان هر استان قانون تعیین محدوده حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۶/۱/۳۰ و اصلاحی‌های بعدی آن خواهد بود. حائزین اکثریت از مجموع حداقل یک پنجم کل آرا مأخوذه در حوزه انتخابیه فرعی و نیز آرا کسب شده داوطلب در سطح استان به مجلس شورای اسلامی راه خواهد یافت. برای رفع ایرادات شورای نگهبان برخی مناطق قومی- مذهبی نظیر استان سیستان و بلوچستان و حوزه انتخابیه تربت‌جام و تایباد و رشت‌خوار در خراسان‌رضوی؛ بندر ترکمن، کردکوی، گنبد کاووس و کلاله و مینودشت در استان گلستان؛ مهاباد، بوکان، پیرانشهر و سردشت در استان آذربایجان غربی؛ پاره در استان کرمانشاه؛ بیجار و قروه در استان کردستان از دایره شمولیت این طرح مستثنا شدند و انتخابات در آن‌ها طبق

روال معمول صورت می‌پذیرفت که این امر نیز مخالفت‌هایی را در مجلس به همراه داشت (روزنامه رسمی ۱۳۸۶: ۲۵) حوزه‌های اقلیت‌های دینی نیز از این قاعده مستثنی شده بودند. این طرح در میان نمایندگان طیف‌های مختلف مجلس مخالفان و موافقان خاص خود را داشت. تقویت جایگاه شوراها و احزاب، جایگزین شدن فرهنگ برنامه محوری به جای شخص‌محوری، افزایش ظرفیت‌های ملی مجلس، توجه به مشکلات کلان کشور، پرهیز از پرداختن به مسائل ساده و جزئی، جایگزینی ویژگی‌های نظیر لیاقت، توانایی و تحصیلات به جای تعلقات قومی و مناسبات قبیله‌ای، حذف رقابت‌های خشونت‌زای قومی و قبیله‌ای، کاهش هزینه‌ها و کاهش شمار کاندیداها از ویژگی‌هایی است که موافقان برای این طرح بر شمرده‌اند (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۲-۱۰).

همان‌طور که مشخص است و در طرح قانونی استانی شدن حوزه‌های انتخابیه نیز آمده است سیستم فعلی دارای مشکلات متعددی است. این سیستم جایگاه نمایندگی مجلس را که در درجه اول یک قانون‌گذار و ناظر بر اجرای قانون است به یک رسیدگی‌کننده به امور جزئی و محلی حوزه‌های انتخاباتی تنزل داده است. چنان‌که اگر نماینده‌ای در دوران نمایندگی خود خواسته‌های عمومی ساکنان حوزه انتخابیه خود را که گاهاً هیچ ارتباطی با نمایندگی مجلس نیز ندارند نادیده بگیرد در دوره‌های بعدی با اقبالی مواجه نخواهد شد. از این‌رو در بسیاری از نمایندگان بخش قابل‌توجهی از وقت خود را در شهرها و روستاهای حوزه انتخابیه می‌گذرانند و از توجه و رسیدگی به امور ملی باز می‌مانند و از سوی دیگر مردم نمایندگانی را انتخاب می‌کنند که اطمینان حاصل کنند به نیازهای محلی و حتی روزمره آن‌ها در حوزه انتخاباتی توجه دارد و این امر سبب انتخاب افراد عامی، کم‌سواد، بی‌تخصص، قوم‌گرا و غوغاسالار در مجلس شده است. ورود این افراد که با پشتوانه قومی، طایفه‌ای و مالی صورت می‌گیرد سبب عدم توجه به احزاب و در نتیجه عدم رشد تحزب در کشور شده است. از سوی دیگر دخالت بیش از حد نمایندگان در امور محلی سبب دخالت در امور شده است که براساس قانون تا حدود زیادی در حیطه وظایف شوراها، شهر و روستاست و از این طریق قدرت مانور را از این نهاد سلب کرده‌اند. از این‌رو در جهت بالا بردن کارایی مجلس و توجه بیشتر به مسائل کلان به نظر می‌رسد باید تدابیری اندیشیده شود که باعث تقویت نگاه ملی نمایندگان گردد و افراد کارآمدتری به‌عنوان نماینده راهی مجلس شوند. از این‌رو استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی به‌عنوان گزینه‌ای مطلوب برای جبران کاستی‌های نظام فعلی مطرح می‌شود. در ادامه با

برشمردن مزایا و معایب این طرح در صددیم نشان دهیم که آیا امکان اجرایی شدن طرح استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی وجود دارد و طرح مزبور می‌تواند کاستی‌ها و ضعف‌های نظام فعلی را پوشش دهد؟

گفتار سوم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها (مزایا و معایب طرح)

الف) مزایای استانی شدن

مهم‌ترین مزایای استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی به شرح زیر می‌باشد:

۱. عدالت در حق انتخاب

وجود انتخابات رقابتی و افزایش قدرت انتخاب مردم. چون قدرت انتخاب یکی از شرایط مردم‌سالاری است (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۴۰). بدیهی است که هرچه فرد از قدرت انتخاب بیشتری برخوردار باشد گزینش کاندیدایی که با ایده‌آل‌ها، برنامه‌ها و افکار وی سنخیت بیشتری داشته باشد برای وی آسان‌تر است. اما اگر به دلایلی نظیر تعداد محدود کاندیداها و محدود بودن انتخاب‌های مجاز فرد نتواند نماینده‌ای را که با او دارای سنخیت بیشتری است انتخاب کند در واقع وی به دلیل نداشتن حق انتخاب نتوانسته است خواسته‌های خود را به نحو مطلوبی کانالیزه کند. از آنجایی که در بسیاری از شهرهای کوچک به دلیل ملاحظات جمعیتی، جغرافیایی و سیاسی تعداد انتخاب‌های افراد محدود است چرا که تنها یک نماینده از حوزه انتخابیه به مجلس راه خواهد یافت و یک نماینده در هر صورت گویای نظرات، افکار و خواسته‌های طیف زیادی از رأی‌دهندگان آن حوزه نیست. همچنین در شهرها و حوزه‌های کوچک به دلیل تعداد اندک کاندیداها گزینش افراد اصلح و کارآمد سخت است به طوری که در برخی از این حوزه‌ها به دلیل نبود کاندیدای کارآمد، با تجربه و متخصص افرادی نظیر معلمین کارکنان عادی دستگاه‌های اداری که دارای هیچ‌گونه سابقه کاری مفید و مرتبط با نمایندگی نبوده‌اند به مجلس راه می‌یابند. این امر به خصوص در مناطق محروم کشور نمود بیشتری دارد. از این رو با گسترش مرزهای جغرافیایی حوزه انتخابیه به دلیل تکثر آرا کاندیداهایی از جناح‌های مختلف سیاسی و با سلائق مختلف وجود دارند که این امر سبب می‌شود افراد به راحتی بتوانند معیارهای خود را در انتخاب نمایندگان اعمال کنند. همچنین با گسترش حوزه‌های انتخابیه، افراد متخصص، کارآمد و باسابقه در لیست کاندیداها قرار می‌گیرند که سبب می‌شود فرد

انتخاب‌کننده از بین افراد یک جناح خاص بهترین و کارآمدترین را انتخاب کند و به این طریق از ورود افراد عامی و بی‌دانش و کم‌سابقه به مجلس جلوگیری شود. همچنین عدالت سرزمینی و جمعیتی نیز برقرار خواهد شد زیرا در این حال در برخی مناطق تناسبی میان جمعیت و تعداد نمایندگان مشاهده نمی‌شود و بر اثر ملاحظات سیاسی برخی حوزه‌ها دارای «کم‌نماینده‌گی» یا «بیش‌نماینده‌گی» هستند که در صورت استانی شدن در حوزه‌هایی هم‌جوار این مشکل رفع خواهد شد. چرا که نماینده، نماینده تمام مناطق استان است. برای مثال در این حال زاهدان با ۵۶۰ هزار نفر دارای ۲ نماینده است و شهرستان‌های زهک و زابل با جمعیت ۴۰۰ هزار نفر نیز دارای دو نماینده‌اند. این نشان‌دهنده آن است که زاهدان دارای «کم‌نماینده‌گی» است و در قیاس با زابل و زهک ۱۶۰ هزار نفر از ساکنان آن نماینده ندارند یا بار مسوولیت نمایندگان زاهدان بیش از زابل و زهک است.

۲. کاهش دغدغه‌های قومی مذهبی

یکی از مهم‌ترین حربه‌های نمایندگان برای جلب آرا و افکار عمومی پرننگ کردن اختلاف‌های طایفه‌ای، قومی و مذهبی است. این موضوع که در بسیاری از نواحی پیرامونی و حتی مناطق داخلی کشور به وضوح قابل رؤیت است در بسیاری از مواقع سبب بروز تنش‌ها و درگیری‌هایی میان طوایف، قبایل و گروه‌های قومی و مذهبی می‌شود. درگیری میان هواداران کاندیداها که ماهیتی طایفه‌ای و قومی دارد در سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان غربی، کردستان ایلام و مناطق بختیاری‌نشین کشور همواره امری رایج بوده است. اما چنان‌چه حوزه‌های انتخاباتی استانی شود به دلیل گستردگی جغرافیایی و تعدد آرا، مؤلفه‌های قومی و طایفه‌ای به تنهایی قادر نیستند در تعیین سرنوشت انتخابات مؤثر باشند و کاندیداها ناگزیرند برای جلب حمایت خود مردم به احزاب و جناح‌های سیاسی متوسل شوند.

۳. رشد تحزب

همان‌طور که اشاره شد در صورت استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی عوامل و مؤلفه‌های سابق نمی‌توانند راه را برای ورود یک کاندیدا به مجلس هموار کنند و کاندیداها ناگزیرند برای جلب نظرات طیف‌های مختلف مردم به احزاب سیاسی تکیه کنند و از آنجایی که احزاب نیز در گزینش کاندیداها خود بهترین و مناسب‌ترین افراد را انتخاب می‌کنند و توجهی به خواسته‌های فردی و گروهی افراد ندارند استانی شدن حوزه‌های انتخابیه در درازمدت سبب نهادینه شدن فرهنگ تحزب

در جامعه می‌شود. عامل دیگری که نقش احزاب را در انتخابات پررنگ خواهد کرد مسائل مربوط به هزینه‌های انتخاباتی است. در مصاحبه‌هایی که با نمایندگان مجلس هفتم انجام شده بود افراد هزینه‌های انتخاباتی خود را بین ۲۰ تا ۵۰ میلیون اعلام کرده بودند. اما افرادی که از سوی احزاب معرفی شده بودند هزینه مصرف شده را کم‌تر از یک میلیون عنوان کرده بودند (روزنامه مردم‌سالاری ۱۳۸۶/۷/۴). زیرا احزاب دارای منابع مالی متعددی بوده و تأمین هزینه‌های انتخاباتی کاندیداهای وابسته به آن‌ها امری رایج است. از سوی دیگر احزاب از بهترین شیوه‌ها و مکانیزم‌های موجود در تبلیغات استفاده می‌کنند و این امر سبب کشش کاندیداها به سوی احزاب می‌شود. امری که در درازمدت سبب تقویت جایگاه احزاب در جامعه می‌شود.

۴. مسلط شدن نگرش ملی در نمایندگان

حیطه کاری نمایندگان مجلس در این‌حال طیف وسیعی از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی می‌شود. از این‌رو بخش قابل‌توجهی از وقت و تلاش نمایندگان صرف پرداختن به مسائل ساده و کم‌اهمیت مرتبط با مشکلات فردی و جمعی افراد در شهرها و روستاهای حوزه انتخاباتی می‌شود بخشی از وقت نمایندگان نیز صرف پرداختن به نظارت و رفع اختلافات در حوزه انتخابیه می‌شود. از این‌رو نمایندگان علاوه بر تعطیلات آخر هفته همواره زمان زیادی را صرف بازدید از حوزه‌های انتخابیه خود می‌کنند. همچنین شماری از شهروندان برای رفع مشکلات خود به محل کار نمایندگان در مجلس شورای اسلامی مراجعت می‌کنند و به پی‌گیری و مطرح کردن اموری می‌پردازند که براساس قانون در حیطه وظایف وزارتخانه‌ها، ادارات و بانک‌هاست. این امر سبب می‌شود آن‌ها زمان و فراغت کافی برای رسیدگی و توجه عمیق به مسائل کلان و ملی نداشته باشند. پس همان‌طور که مشاهده شد بسیاری از فعالیت‌های نمایندگان در حیطه وظایف وزارتخانه‌هاست چرا که این مسائل ماهیتاً مسائلی اداری و اجرایی است. برخی دیگر از فعالیت‌های آن‌ها در سطح محلی و حوزه‌های انتخابیه در حیطه وظایف شوراهای اسلامی شهر و روستا است، که دخالت نمایندگان مجلس در این امور که امروزه به یک سنت و رویه معمول تبدیل شده، سبب شده است با سلب امکان مانور از شوراهای شهر و روستا، این نهادها نتوانند کارکرد اصلی خود را به‌خوبی انجام دهند. به‌طور کلی استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی موجب می‌شود نمایندگان مجلس به وظایف اصلی خود که قانون‌گذاری و نظارت است در سطح کلان و ملی پرداخته و از امور جزئی که انجام بسیار از

آن‌ها از وظایف سایر وزارت‌خانه‌ها و دوایر دولتی بوده و در حوزه وظایف و اختیارات نمایندگی نمی‌گنجد پرهیز کنند ولی در عین حال ویژگی محلی و ملی بودن مسوولیت نمایندگی حفظ شود (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۰).

۵. ورود افراد شناخته شده و شایسته

کار ویژه اصلی انتخابات، انتخاب بهترین افراد به‌عنوان نماینده مردم است. از این‌رو قوانین و مکانیزم انتخابات باید به‌گونه‌ای طراحی شود که افراد اصلح، متخصص و شایسته به مجلس راه یابند. در نظام فعلی انتخابات از آنجایی که شهرهای کوچک توانایی فرستادن افراد به مجلس را دارند و در بسیاری از این شهرها شمار افراد متخصص و شایسته برای ورود به مجلس اندک است و نتیجه چنین امری ورود نمایندگان غیراصلح و بی‌تخصص است. اما اگر حوزه‌های انتخاباتی گسترش یابد با توجه به چند برابر شدن جمعیت و عوض شدن ترکیب حوزه‌های انتخابیه که شهرهای کوچک و بزرگ در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند افراد متخصص از سایر شهرهای استان می‌توانند کمبود نیروی شایسته و علمی را جبران کنند. در چنین شرایطی حتی اگر یک فرد غیرمتخصص بتواند در یک شهر از استان هم از طریق لابی‌گری و اقناع شهروندان با ابزارهای مختلف اکثریت آرا را کسب کند در سایر شهرهای استان چنین قابلیت را ندارد و اینجاست که مؤلفه‌های طایفه‌ای و قومی نیز در انتخاب نمایندگان خنثی می‌شود و در کل استان فردی به‌عنوان نماینده انتخاب خواهد شد که در شایستگی، متخصص و کارداران بودن اشتهار داشته باشد. از سوی دیگر به‌زعم کارشناسان عدم تناسب در اندازه حوزه‌های انتخاباتی یکی از عواملی است که تخلفات انتخاباتی را موجب می‌شود. خرید آرا در حوزه‌های انتخاباتی کوچک امری است که با راحتی می‌تواند اتفاق افتد (نبی‌لو، ۱۳۸۶: ۲۵). بنابراین یکی از مهم‌ترین تأثیرات استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی ورود افراد شایسته، متخصص و علمی به‌عنوان نماینده به مجلس شورای اسلامی است.

۶. امکان مانور بیشتر شوراها

فصل هفتم قانون اساسی به شوراها اختصاص یافته است. براساس قانون اساسی، شوراها اسلامی ارکان مهمی در تصمیم‌سازی و اداره کشور به‌شمار می‌روند. اما شوراها به‌عنوان آخرین تجربه در عرصه دموکراسی محلی، از نبود نهادینگی متأثرند، مساله‌ای که در درازمدت می‌تواند

موجبات تضعیف جایگاه آن‌ها را فراهم سازد (ازکیا و جاجرمی، ۱۳۸۴: ۵۹). نهادینه نشدن شوراها در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور از یک‌سو معلول ساختار نظام حکومتی کشور است که به دلیل متمرکز بودن امکان مانور را از واحدهای محلی سلب کرده است اما از سوی دیگر وجود نهادی موازی و قدرتمند به نام مجلس شورای اسلامی که بسیاری از کارکردها و کار ویژه‌های شوراها را به انحصار خود درآورده نیز عاملی اساسی در نهادینه نشدن شوراهاست. امروزه دخالت نمایندگان مجلس در وظایف شوراها و همچنین تغییر در قانون شوراها اختیارات و وظایف آن‌ها را محدود کرده است بسیاری از اموری نظارتی در شهرها و بخشی از قانون‌گذاری‌های که امروزه توسط مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد براساس قانون اساسی از وظایف شوراهاست (حافظنیا و ویسی، ۱۳۸۶: ۱۰۱-۹۸). محدود کردن شوراها به عنوان نماد حکومت محلی آن‌ها را در برابر تصمیمات دولت مطیع ساخته است. این در حالی است که براساس اصل ۱۰۳ قانون اساسی همه مسئولان دولتی نظیر استانداران، فرمانداران و بخشداران موظفند مصوبات قانونی و تصمیمات آن‌ها را اجرا کنند. از آنجایی که با استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی نمایندگان از پرداختن به امور جزئی و محلی بر حذر می‌گردند و به وظیفه اصلی خود یعنی قانون‌گذاری و نظارت در سطح کلان می‌پردازند فضای لازم برای فعالیت و تصمیم‌گیری شوراها را ایجاد می‌شود و با احیای شوراها امور مربوط به نظارت، وضع مقررات و مشاوره محلی به آنان واگذار می‌شود.

۷- امکان محدود کردن تعداد کاندیداها

در شرایط کنونی هر چند شهرستان یک حوزه انتخابیه را تشکیل می‌دهد و از این‌رو در هر استان با توجه به جمعیت آن بین ۳ تا ۲۰ حوزه انتخاباتی وجود دارد. با توجه به این‌که ۲۰۲ حوزه انتخاباتی در ۳۰ استان مختلف کشور پراکنده شده‌اند، به‌طور متوسط به‌ازای هر استان نزدیک به ۷ حوزه انتخاباتی وجود دارد. در همین ارتباط مشاهده می‌شود که در حوزه‌های انتخاباتی به‌ازای هر کرسی به‌طور متوسط ۶ تا ۸ کاندیدا وجود دارد. تعدد کاندیداها سبب پخش آرا و سردرگمی شهروندان خواهد شد. از سوی دیگر هزینه‌های بی‌نتیجه‌ای بر بسیاری از کاندیداها تحمیل خواهد شد. ضمن آن‌که برنامه‌ریزی و هماهنگی را برای دستگاه مجری انتخابات یعنی وزارت کشور با مشکل مواجه می‌کند. از این‌رو با استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی با وضع قوانین و مقررات جامعی امکان محدود کردن شمار کاندیداها وجود دارد.

ب) معایب استانی شدن

اگرچه با استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی بسیاری از کاستی‌های نظام فعلی رفع خواهد شد اما اگر زیرساخت‌های لازم برای استانی شدن انتخابات ایجاد نشود نظام یاد شده نیز مشکلات جدیدی را ایجاد خواهد کرد که بدون تردید کم‌اهمیت‌تر از مشکلات نظام فعلی نیستند. مهم‌ترین معایب استانی شدن انتخابات به شرح زیر می‌باشد:

۱. کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین

بدیهی است در شرایط فعلی نمایندگان به‌عنوان مجرای برای انتقال خواسته‌های شهروندان نقاط مختلف کشور به دستگاه‌ها و مقامات اجرائی هستند. اما با استانی شدن انتخابات نماینده تا حد زیادی ویژگی محلی خود را از دست خواهد و تمرکز آن‌ها بر مسائل کلان و ملی معطوف می‌شود. از این‌رو در صورت عدم اختصاص سازوکاری برای انتقال و پی‌گیری مشکلات مردم در شهرها و روستاها و به‌طور کلی در حوزه‌های انتخابیه و عدم تقویت و باز تعریف نقش و وظایف شوراهای اسلامی مجرای مناسبی برای انتقال و پی‌گیری مشکلات مردم در حوزه‌های انتخابیه وجود ندارد. این امر به‌ویژه در شهرهای کوچک و روستاها نمود بیش‌تری پیدا خواهد کرد. چرا که در صورت استانی شدن حوزه‌ها تلاش نمایندگان بر آن است تا با جلب رضایت مراکز اصلی تجمع جمعیت در دوره‌های بعد نیز ورود خود را مسجل کنند و بدیهی است که این امر با مبانی مردم‌سالاری دینی و عدالت هم‌خوانی ندارد. لازم به ذکر است که پی‌گیری عمده امور محلی براساس قانون در حیطه وظایف شوراهای اسلامی است و در صورتی این مشکل بروز خواهد کرد که نگاه به شوراها کماکان بدون تغییر بماند.

۲. افزایش هزینه‌های انتخاباتی

یکی از ایرادات وارده بر استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی افزایش هزینه‌های انتخاباتی است. اگر چه به‌زعم موافقان این طرح کاهش هزینه‌های انتخاباتی یکی از پیامدهای استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی است. اما به‌نظر می‌رسد بسیاری از موافقان طرح یاد شده عامدانه این مشکل را نادیده گرفته و در راستای جلب افکار عمومی و در جهت حفظ منافع خود که از طریق استانی شدن برآورده می‌شود کاهش هزینه‌های انتخاباتی را از مزایای استانی شدن

حوزه‌ها برمی‌شمرند. این در حالی است که با گسترش حوزه‌های انتخاباتی هزینه‌های تبلیغات و جاری رقابت کاندیداها چندین برابر خواهد شد. زیرا در بسیاری از حوزه‌ها افراد باید در استانی تبلیغات خود را انجام دهند که گاهاً ۱۰ برابر حوزه انتخابیه فعلی است این به آن معنی است که هزینه‌های انتخاباتی نیز در چنین حوزه‌ای چند برابر خواهد شد. از این‌رو کاندیداهایی وارد مجلس خواهند شد که قدرت مالی بیش‌تری خواهند داشت یا برای جذب حمایت مالی به اشخاص و بنگاه‌های اقتصادی متوسل می‌شوند که این موضوع در ادامه کار آن‌ها را با مشکل مواجه خواهد کرد زیرا بر خلاف شأن و وظایف نمایندگی مجبور به تلاش برای حفظ منافع این افراد و بنگاه‌ها خواهد شد.

۳. ورود افراد مشهور و متمول به مجلس

همان‌طور که در بند پیش شرح دادیم استانی شدن حوزه‌ها، افزایش هزینه‌های انتخاباتی را در پی خواهد داشت. بدیهی است در صورت عدم نهادینه شدن و رشد جایگاه احزاب تنها افراد متمول و با پشتوانه مالی قوی توانایی ورود به کارزار انتخابات و پیروزی در آن را دارند. این در حالی است که در فرایند مردم‌سالاری مطلوب آن است که افراد شایسته و صاحب صلاحیت وارد مجلس شوند. از طرف دیگر طرح یاد شده تا حد زیادی از ورود نیروهای جدید و افراد متخصص اما گمنام جلوگیری خواهد کرد و تنها افرادی که مشهور بوده و به عوامل قدرت و ثروت دستیابی دارند می‌توانند پیروز شوند. همچنین در این طرح نمایندگان کنونی شانس بیش‌تر برای کسب رأی دارند (دارابی، ۱۳۸۸: ۱۷). اما در صورت رونق احزاب این مشکل تا حد زیادی رفع خواهد شد چرا که تجربه نشان داده است که نامزدهای گمنامی که از سوی احزاب و گروه‌های سیاسی معرفی شده‌اند توانسته‌اند آرا لازم را به‌دست آورند.

۴. به حاشیه راندن مناطق کوچک و شهرها

در صورت فراهم نبودن زیرساخت‌های لازم از جمله تقویت شوراهای استانی شدن حوزه‌ها پتانسیل ویژه‌ای برای بی‌توجهی و به حاشیه راندن شهرهای کوچک و روستاها دارد چرا که نمایندگان در درجه اول به مسائل کلان و ملی می‌پردازند و در مرحله دوم هم به حفظ موقعیت شخصی خود توجه دارند که آن نیازمند توجه به شهرهای پرجمعیت و مراکز استان است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انتخابات دارند از سوی دیگر نامزدهای مراکز استان‌ها شانس

بیش تر به لحاظ شهرت، تخصص و پشتوانه‌ای جمعیتی برای ورود به مجلس دارند و بدیهی است آن‌ها پس از انتخاب در بسیاری از موارد توجه بیشتری به مراکز استان و محل زندگی خود خواهند داشت که این امر در درازمدت سبب افزایش شکاف‌ها بین مراکز استان و شهرستان‌ها خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش امکان گسترش حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و انطباق آن‌ها را با مرز استان‌ها مورد بررسی قرار گرفت. حوزه‌بندی براساس نوع انتخابات و شرایط داخلی کشورها نظیر وضعیت جغرافیایی، پراکندگی جمعیت، نظام سیاسی و عواملی از این دست، متنوع خواهد بود. از این‌رو شاهد هستیم کشورهای مختلف دارای حوزه‌بندی‌های متنوعی هستند و در ایران نیز در حوزه‌بندی انتخابات پارلمانی عوامل متعدد جغرافیایی، سیاسی، جمعیتی و فرهنگی در تعیین حدود حوزه‌های انتخاباتی مؤثر می‌باشند. نتیجه مورد توجه قرار دادن این عوامل حدود حوزه‌های انتخاباتی فعلی است که سبب بروز مشکلاتی شده است. همان‌طور که در ابتدای تحقیق بیان شد ترکیب نامطلوب حوزه‌های انتخاباتی، نامطلوب بودن معیار جمعیتی و محدود و محروم کردن برخی مناطق از نمایندگان، عدم رعایت حق مطلوب در مناطق پیرامونی کشور، جلوگیری از رشد تحزب و امکان مانور شوراهای اسلامی از معایب چیدمان حوزه‌های انتخاباتی فعلی است. بنابراین اصلاح نظام فعلی در جهت رفع نقصان‌های آن امری ضروری است و طرح استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی به‌عنوان بدیلی برای جبران این نقصان‌ها مطرح است که در این پژوهش به امکان‌سنجی جایگزینی آن با نظام فعلی پرداخته شد. در این ارتباط این سؤال مطرح شد که آیا امکان تغییر حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد؟ و در صورت تغییر چه چالش‌های جدیدی مطرح خواهد شد؟ در راستای پرسش‌های مطرح شده این فرضیه مطرح گردید که امکان تغییر مرز حوزه‌های انتخابیه و انطباق آن با مرز استان‌ها وجود دارد ولی در صورت فراهم نساختن زیرساخت‌های لازم با پشت سر نهادن مشکلات نظام فعلی، چالش‌هایی نظیر افزایش هزینه‌های انتخاباتی، کاهش حس بومی و عدم توان نمایندگان در رسیدگی به سطوح پایین و... ایجاد خواهد شد.

همان‌طور که در طول تحقیق اشاره شد استانی شدن انتخابات دارای مزایای متعددی از جمله عادلانه شدن انتخابات، رشد تحزب، کاهش درگیری‌ها و دغدغه‌های قومی و طایفه‌ای،

امکان رشد شوراهای، ورود افراد اصلح و متخصص، تسلط نگرش ملی در نمایندگان خواهد بود که این امر نشان می‌دهد می‌تواند جایگزین مناسبی برای نظام فعلی باشد اما اجرایی کردن این طرح نیازمند ایجاد برخی زیرساخت‌ها و زمینه‌های لازم است که مهم‌ترین آن‌ها تقویت جایگاه شوراهای و بازتعریف وظایف و اختیارات آن‌ها در سلسله مراتب تصمیم‌گیری و اجرایی کشور و همچنین تقویت احزاب و تشکل‌های سیاسی مشابه است که بتواند به‌نحو شایسته‌ای به‌عنوان سازوکاری در جهت انتقال، هدایت و کانالیزه کردن خواسته‌های شهروندان از نظام سیاسی ایفای نقش کند. در غیر این صورت با استانی شدن حوزه‌های انتخاباتی شاهد چالش‌های جدیدی از جمله کاهش حس بومی نمایندگان و بی‌توجهی به شهرهای کوچک، افزایش هزینه‌های انتخاباتی، ورود افراد متمول و مشهور و به حاشیه راندن اجتماعات کوچک و افزایش شکاف بین مراکز استان‌ها با سایر شهرستان‌های آن‌ها خواهیم بود. بنابراین فرضیه مطرح شده تأیید می‌شود ولی اجرای طرح یاد شده تا فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم عقلانی به‌نظر نمی‌رسد چرا که بدون فراهم شدن زیرساخت‌ها با نوعی خلاء قدرت و نظارت در سطح محلی مواجه خواهیم شد که مشکلات و تبعات منفی زیادی برای شهروندان در پی دارد. از این‌رو در راستای موفقیت طرح یاد شده و جبران کاستی‌های نظام فعلی باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

- اجتناب از تصمیمات غیرکارشناسی و عجولانه در جهت تغییر حوزه‌های انتخاباتی؛
- اجرای آزمایشی آن در چندین حوزه انتخاباتی یا یک دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی و توجه به نتایج آن؛
- تقویت شوراهای اسلامی به‌عنوان نهادی که بتواند خلأ قدرت ناشی از تغییر نقش نمایندگان را جبران کرده مشکلات محلی مردم را حل نماید؛
- تقویت احزاب به‌عنوان سازوکاری که افکار عمومی شهروندان را در جهت انتخاب اصلح و نظام سیاسی را در جهت اتخاذ تصمیمات عقلانی یاری کند؛
- تلاش برای اصلاح قوانین در راستای افزایش شمار نمایندگان مجلس تا از طریق تعدد نمایندگان امکان ارتباط آنان با شهروندان افزایش یابد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

ازکیا، مصطفی و وایمانی‌جاجرمی، حسین (۱۳۸۴). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل کارایی شوراهای

- اسلامی شهر»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۶، زمستان.
- ایوبی، حجت‌اله (۱۳۸۲). *اکثریت چگونه حکومت می‌کنند؟*، چاپ دوم. تهران: انتشارات سروش.
- تایلور، پی‌جی و جانستون، آر. جی (۱۳۸۶). *جغرافیای انتخابات*، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری. تهران: نشر قومس.
- جونز، مارتین؛ جونز، رایس؛ وودز، مایکل (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی*، ترجمه زهرا پیشگاهی‌فرد و رسول اکبری. تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا و کاویانی‌راد، مراد (۱۳۸۳). *افق‌های نو در جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا و ویسی، هادی (۱۳۸۶). «بررسی تطبیقی انجمن‌های محلی با شورای اسلامی قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران»، *پژوهش‌نامه علوم سیاسی*، سال دوم، شماره ۴، پاییز.
- حبیب‌نژاد، سیداحمد (۱۳۸۵). *انتخابات نمایندگی مجلس*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- دارابی، غلامعباس (۱۳۸۸). *درباره طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- روزنامه رسمی*، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، یکشنبه دوم اردیبهشت ۱۳۸۶، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- روزنامه مردم‌سالاری*، هزینه‌های انتخاباتی نمایندگان مجلس هفتم، ۱۳۸۶/۷/۴، نسخه شماره ۱۶۲۶.
- عباسی، بیژن (۱۳۸۸). «تقد و بررسی نظام انتخاباتی اکثریتی و تناسبی»، *فصل‌نامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، دوره ۳۹، شماره ۳، پاییز.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۸). «تأثیر رسانه بر رفتار انتخاباتی»، *فصل‌نامه پژوهش‌های ارتباطی*، سال شانزدهم، شماره ۱ (پیاپی ۵۷)، بهار.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۸۳). *بایسته‌های حقوق اساسی*، چاپ هفدهم. تهران: نشر میزان.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۱). *مجموعه قوانین شهر و شهرداری*. تهران: نشر دوران.
- نبی‌لو، حسین (۱۳۸۶). *خرید آرا در انتخابات (مطالعه موردی ایران)*. تهران: دفتر مطالعات حقوقی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ب) منابع انگلیسی

Blacksell, Mark (2006). *Political Geography*, London: Routledge.